

همه چیز مساوی باشد، اما در واقع تفاوت‌ها و انتخاب‌ها از بین رفته است.

شما به موضوع سلیقه اشاره کردید؛ این که حتی تماشاگر اتفاقی هم می‌تواند در مواجهه با سینما، به تدریج ذائقه‌ای برای خود شکل دهد. آیا تجربه‌ای شخصی در این زمینه دارید که بتوانید با ما در میان بگذارید؟

بله، حتماً. من به‌خوبی به یاد دارم که مادرم اهل سینما بود. پدرم علاقه‌ای نداشت، اما مادرم علاقه‌مند و در عین حال باسلیقه بود. زمانی که هفت ساله بودم، مرا برای تماشای یک فیلم سیاه‌وسفید به سینما برد. گفت: «آنتونی کوئین در این فیلم بازی می‌کند، پس باید فیلم خوبی باشد». بعدها که بزرگ‌تر شدم، فهمیدم آن فیلم، «دیدار» ساخته‌ی برناردو برتولوچی بر اساس نوشته‌های آلبرتو مورابا بوده است. همین زن، همین مادر باسلیقه، حالا در سال‌های اخیر نشست و سرپال ترکی تماشای کند. این یعنی چه؟ یعنی آن سلیقه از بین رفته است. نه به دلیل تغییر در شخصیت او، بلکه به دلیل تغییر شرایط اجتماعی و محیط اطرافش. جامعه تغییر کرده و همین تغییر، سلیقه فردی او را نیز دگرگون کرده است. یادم هست آن زمان، مادرم اجازه نمی‌داد فیلم‌های فارسی ببینیم. می‌گفت سطح پایینی دارند و ارزش تماشا ندارند. اما وقتی فیلم «گاو» اکران شد، دست من و خواهرم را گرفت و با ما به سینما رفت. گفت: «این فیلم را غلامحسین ساعدی نوشته، بازیگرهایش از تئاتر آمده‌اند، کارگردانش هم دار بوش مهرجویی است. بنابراین باید فیلم خوبی باشد.» این یعنی تربیت ذائقه، یعنی انتخاب آگاهانه.

بسیار جالب است که انتخاب فیلم، بر پایه شناخت و آگاهی صورت می‌گرفته...

دقیقاً. آن زمان، این نوع آگاهی از طریق خانواده، گفت‌وگوهای درون خانهای و نشریات سینمایی شکل می‌گرفت. اما امروز چنین چیزی وجود ندارد. طرف یک استوری در اینستاگرام می‌بیند و بر اساس همان تصمیم می‌گیرد که فلان فیلم را ببیند یا نه. خوب، این چه نوع انتخابی است؟ این یعنی مرگ سلیقه فرهنگی. و این مسئله‌ای بسیار جدی و نگران‌کننده است. شاید جالب



یک عامل مهم و تأثیرگذار مسیر مرا تغییر داد: مجله. نشریاتی که برای من حکم دانشگاه را داشتند با تحلیل‌های جدی درباره فیلم‌سازی چون آنتونی مان، ژان-لوک گدار، نیکلاس ری و سینمای کلاسیک آمریکا. من از طریق این مجلات، به‌طور غیرمستقیم با سینما آشنا شدم



بخش و فروش برقرار شود؟

نه، این نگاه صنعتی نیست، اتفاقاً ناپودکننده است. سینما باید مثل شهر بازی باشد، محل سرگرمی، باید طبیعی باشد. با دستورالعمل و کمیسیون و ستاد، نمی‌شود سلیقه ایجاد کرد. سینما باید رها باشد، فضای طبیعی خودش رو پیدا کند. آن وقت مخاطب خودش آشتی می‌کند. فیلم هنری، درام، جنایی، کمدی، هر کدام مشتری خودش را پیدا می‌کند، ولی الان نه، یک سری فیلم‌های به‌ظاهر اجتماعی، که حتی اجتماعی هم نیستند، تولید می‌شوند و یک موج کمدی که همه‌چیز را قبضه کرده است.

دوباره برگردیم به موضوع اصلی. با این آسیب‌شناسی شما، به نظر تان در شرایط فعلی، یک ماهنامه سینمایی تا چه اندازه می‌تواند در شکل دهی به سلیقه و ذائقه سینمایی مخاطبان مؤثر باشد؟ آیا تجربه‌ای از مقایسه با نشریات سینمایی در دیگر کشورها دارید؟

واقعیت این است که ما در سال‌های اخیر به تدریج ذائقه فرهنگی مان را از دست داده‌ایم. سال‌به‌سال این فقدان بیشتر شده است. چرا؟ چون همه چیز یکسان شده است؛ از سالن‌های سینما گرفته تا فیلم‌ها و حتی خود مخاطبان. امروز، تقریباً تمام سینماها یک مدل فیلم نمایش می‌دهند. این یعنی ناپودی تنوع سلیقه. گویی قرار شده

